

**به مناسبت شصت و دومین سالروز کشته شدن د کتر فاطمی**

# پایداری تا آخرین لحظه حیات

**جواد نوثان رودسری**
info@khorasannews.com

زندگیاد دکتر «حسین فاطمی» از معدود رجال سیاسی نزدیک به دکتر مصدق بود که شاه را عامل اصلی تمام مشکلات کشور می دانست و آرزوی بر انداختن رژیم سلطنتی را در دل داشت.
زندگیاد دکتر «فاطمی» با چنین دیدگاهی، به شدت منفور دربار و به ویژه، «اشرف پهلوی» بود. به همین دلیل، پس از کودتای ۲۸ مردادسال ۱۳۳۲، در صدر فهرست افرادی قرار گرفت که به دستور دربار، باید به هر قیمتی حذف می شدند.
دکتر «حسین فاطمی» تاوان شجاعت، صراحت قلم و مخالفت آشکارش باشاه و درباریان را با جان خودداد. برای آن که چارچایی و چگونگی بازداشت و اعدام زندگیاددکتر «حسین فاطمی» آشنا شویم، باید وقایعی را که پیش از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ روی داده است، دوباره مرور کنیم.

■ **حالا دقیقاً نیمه شب است!**

وقتی محمدرضاپهلوی، در نخستین ساعات بامداد ۲۴ مردادماه سال ۱۳۳۲، پیام «حالا دقیقاً نیمه شب است» را ازاردبویی بی‌سی می شنیدو در خیالاتش، آغاز سلطنت بی قید و شرط خود را جشن می گرفت، گمان نمی کرد ساعاتی بعد، ناچار است از کشور فرار کند.
ظاهرا دکتر مصدق از طریق حزب توده مطلع شده بود که کودتایی در حال شکل گیری است و توانست با بازداشت سرهنگ نصیری، موقتا شرایط بحرانی پیش آمده را، مدیریت کند.
همان شب، نیروهای نظامی طرفدار رژیم، با تصور پیروزی قطعی کودتا، به منزل برخی از مسئولان ووزیران کابینه مصدق حمله و تعدادی از آنها را بازداشت کردند؛ یکی از این افراد، دکتر سیدحسین فاطمی، مدیر روزنامه «باختر امروز» و وزیر خارجه کابینه دکتر مصدق بود.
دکتر فاطمی، به تعبیر مصدق، طراح و مبتکر اصلی ملی کردن صنعت نفت محسوب می شد؛ جوانی ۳۴ ساله که مدرک دکترای خود را در رشته حقوق از فرانسه دریافت کرده بود، او به دلیل تلاش هایش برای ملی کردن صنعت نفت ایران، با پیشنهاد مصدق، نشان «همایون» را از شاه دریافت کرد.
بااین حال برای مأموران، تنها اجرای دستورات طراحان کودتا اهمیت داشت. منزل فاطمی کنار کاخ سعدآباد قرار داشت ونخستین جایی بود که مورد هجوم کودتاپیان قرار گرفت.
کودک ۱ ماهه و همسر هراسان او، شاهداین یورش وحشیانه بودند.
فرود او را به همراه تعدادی از مسئولان عالی رتبه حکومت مصدق، ساعت پنج صبح همان روز

تیرباران کنند، اما با شکست موقت کودتا، فاطمی و سایر بازداشت شدگان آزاد شدند.
روزنامه «باختر امروز» طی سه روز بعد، شاه و دربار را آماج حملاتی قرار داد که تا آن زمان بی سابقه بود.
کافی است به تیتیر سر مقاله های دکتر فاطمی، در این سه روز، نگاهی بیندازیم: «این دربار شاهنشاهی روی دربار سیاه ملک فاروقی را سفید کرد»، «خائنی که می خواست وطن را به خاک و خون بکشد قرار کرد»، و «شرکت سابق و روزنامه های محافظه کار لندن دیروز عذارا بودند.»

■ **دکتر فاطمی که بود؟**

دکتر سیدحسین فاطمی، در سال ۱۲۹۶ (ه.ش) به دنیا آمد. او اهل نایین بود. برادر فاطمی روزنامه ای به نام «باختر» داشت که وی نخستین یادداشت های ادبی خود را در آن منتشر کرد؛ یادداشت هایی که مورد توجه ادیبان و شعرا ی آن عصر، مانند ملک الشعرا ی بهار، قرار گرفت.
با این حال فاطمی خیلی زود فهمید که رژیم حاکم بر کشور چندان نا نویسنده گانی مانند اوسر ساز گاری ندارد. ایرادهای بی موردی که مأموران سانسور رژیم به نوشته های او می گرفتندو شرایط سخت حاکم بر جامعه، فاطمی را به سمت فعالیت سیاسی کشاند. مقاله جنجالی او، که در آن، نمایندگان مجلس شورای ملی دوره رضاخان را به عروسک های خیمه شب بازی تشبیه کرده بود، باعث شد به زندان بیفتد.

فاطمی در آن زمان تنها ۲۳ سال داشت. او در زندان آن قدر فرصت داشت که به تقابل جدی با رژیم سلطنتی بیندیشد.
وقتی فاطمی، پس از شهریور ۱۳۲۰، از زندان آزاد شد کوشید مشی سیاسی تازه خود را در فرصت هاو عرصه های مختلف بیازماید. او بلافاصله پس از آزادی، کار روزنامه نگاری را از سر گرفت و همزمان با نگارش مقاله برای روزنامه های داخل کشور، تحصیلات خود را در فرانسه ادامه داد.
همراهی و همکاری فاطمی با برخی روزنامه نگاران را دیکال، مانند محمد مسعوددکسی که برای قاتل قوام السلطنه در دوران نخست وزیری اش صدهزار تومان جایزه تعیین کرده بود و جان خود را به دلیل بی باکی هایش از دست داد) و روزنامه هایی مانند «مردامروز» از او نویسنده ای چیره دست، با قلمی تند و تیز ساخت که هر از گاهی دربار و شخص شاه را آماج حملات خود قرار می داد.
او پس از پایان تحصیلات و بازگشت به ایران، با همکاری برخی نویسندگان جوان آن دوران، مانند محیط طباطبایی و جلال نائینی، روزنامه «باختر امروز» را تأسیس کرد.
فاطمی چندی بعد به نمایندگی مردم تهران

در مجلس برگزیده شد و در گیر و دار مجلس شانزدهم و موضوع ملی شدن صنعت نفت، به حمایت از آن پرداخت. حضور در کابینه دکتر مصدق، به عنوان وزیر خارجه، اوج فعالیت سیاسی او بود؛ فرصتی که فاطمی توانست مخالفت خود را با رژیم سلطنتی علنی کند.
این موضوع برای مصدق قابل قبول نبود.
اوپس از قیام ۳۰ تیر ۱۳۳۱، در برابر شاه قسم خورده بود که در پی تغییر رژیم سلطنتی نباشد. آنچه او می خواست، همان رژیم مشروطه سلطنتی مبتنی بر قانون اساسی بود، اما فاطمی این گونه فکر نمی کرد. او طی یادداشتی در روزنامه «باختر امروز»، خواستار برقراری جمهوری شده بود.

■ **فاطمی در برابر دربار**

باز داشت توهمین فاطمی، شکست کودتا و تلاش شاه برای ایجادیکرژیم سلطنتی بدون قیدو شرط، آن هم با حمایت انگلیس و آمریکا، باعث شد فاطمی اندک ملاحظه ای را که به واسطه ارتباط با مصدق داشت، کنار بگذارد و در روزنامه خود بی محابا به شاه و دربار بتازد. او در سرمقاله روز ۲۵ مردادماه ۱۳۳۲ روزنامه «باختر امروز» نوشت: «در بار، دشمن همه آزادمردان، وطن پرستان و خصم مبارزین راه استقلال و آزادی است... من از محمدرضا شاه پهلوی هرگز انتظار آن را ندارم که این شجاعت و شهامت خودش را در برابر بیگانگان به کار ببرد، من حتی به قدر سلطان مراکش و بیک تونس هم از او حمایت از حقوق ملت را نمی خواهم، ولی اعتراف می کنم که تا این درجه او حقیر و کوچک فکر و ضعیف العقل نمی شمردم که شبیخون بر مبارزات و جهاد ملت خود بزند و تمام محصول فداکاری هاو جانفشانی های مردم محروم و بینوا ی کشور را قربانی هوس بازی و لاس زدن با اجانب کند.
یکی نیست از او بپرسد دیگر شما و فامیل شما از این یک مشت پابرهنه... چه می خواهید؟ فروت یک مملکت را به غارت بردید، املاک و اموال و نوامیس مردم از دست این خانواده سی سال است در امان نبوده، حالا هم مثل زده ها و بد کارها در تاریخکی شب برای کودتا استفاده می کنید... پدیر شما یک مرتبه به دستبازی «آیرون ساید» کلنل انگلیسی، به روی هموطنان خود مشمشیر کشید و عاقبت، در منتهای نکبت، در گوشه «ژوهانسبورگ» چشم بر هم گذاشت.
او از این جنایت چه چیزی دید که امروز شما از روی نقشه فرستاده های سفارت انگلیس و ایادی جیره خوار اجنبی، همان راه نکبت بار و مملعت آمیز را از نومی پیمایید؟... عیاشی و شهوت پرستی و بی اعتنایی به سرنوشت میلیون ها مردم تا همین جا کافی است. از دربار پیر سید دیگر از

## گزارش تاریخی

# دوسرنوشت متفاوت برای «مصدق» و «فاطمی»



نسبت به دکتر فاطمی، وزیر خارجه ایران، در دل شاه و درباریان و به ویژه اشرف، به وجود آمده بود، نبود.
شاه مصدق را تنها مانع تثبیت اقتدار همه جانبه خود می پنداشت. مصدق، حتی در دفاعیاتش در دادگاه فاطمی، با وجود تأکید بر عملکردش و حتی رفتار تحقیرآمیزش با قاضی پرونده و نقد کردن سخنان شاه، از وی و رضاخان، با عنوان اعلیحضرت و «اعلیحضرت فقیه» یاد می کرد.

■ **حکم اصلی را شاه صادر کرد**

مصدق، کهنه سیاستمدار کار کشته، با آینده نگری می دانست که دادگانه نظامی شکل گرفته علیه او، فرمایشی است و حکم اصلی از دفتر شاه صادر می شود.
پس از بازگشت به ایران، در دیدار با کرومیت روزولت، فردی که به عنوان مسئول آمریکایی کودتا علیه مصدق و بازگشت استبداد به ایران معرفی می شود، به صراحت بر پاسخ به او که با مصدق و دوستانش چه می کند، می گوید: «خیلی به این موضوع فکر کرده ام... مصدق... به سه سال زندان... محکوم خواهد شد و بعد از آن هم آزاد است؛ اما اجازه خروج از احمدآباد را نخواهد داشت.
ریاحی هم، به سه سال زندان محکوم خواهد شد!... عده های دیگر هم هستند که کم و بیش با همین احکام مواجه می شوند، البته یک مورد استثنایی هم وجود دارد. حسین فاطمی هنوز دستگیر نشده است، اما پیدایش می کنیم. او از همه گستاختران بوده است، او به حزب توده خط داده است که مجسمه من و پدرم را در شهر پایین بکشند.

■ **دشمنی متفاوت شاه با مصدق**

دشمنی شاه با مصدق، از نوع کینه ای که به عنوان مثال،



تیمور بختیار

(۱۳۴۹–۱۲۹۲ ه.ش)



جان مردم و مملکت چه می خواهید؟ تا پای انقراض تاریخ و سقوط وطن اکنون شما جلورفته اید به دست خود آن گور بدنامی و سیاه کاری و اجنبی پرستی را کنیدید. »

■ **تسویه حساب دربار با فاطمی**

در این حال، سه روز بعد، نقشه کودتاگران عملی شد.
روز ۲۸ مردادماه سال ۱۳۳۲، دولت مصدق سقوط کردوشاه با حمایت آمریکایی ها به ایران بازگشت. وزیران و مسئولان کابینه مصدق، به ویژه کسانی که به مخالفت با شاه مشهور بودند، تحت تعقیب قرار گرفتند. فاطمی، که به دلیل تور نافر جام از مشکلات جسمی رنج می برد، مانند سایر متهمان مخفی شد.

بعدا مشخص شد که اعضای حزب توده او را به یکی از خانه های امنشان منتقل کرده بودند. هشت ماه بعد، محل اختفای فاطمی لو رفت و مأموران شهربانی او را بازداشت کردند. فاطمی به شدت بیمار بوده، اما برای شاه و دربار این بهترین فرصت برای تسویه حساب بود. شتاب دربار برای این بردن این مخالف سرسخت آن قدر نبود، که

بود. هر چند، دخالت سرویس های بیگانه برای ایجاد شکاف میان دکتر مصدق وآیتا... کاشانی، مؤثر واقع شده و گرفتاری های اقتصادی دولت مصدق، به علت فروش نرفتن نفت، از محبوبیت او در میان عوام، به شدت کاسته بود، اما شاه، هنوز نگران بود که با تعیین مجازات سخت تر، باعث اتحاد دوباره دوستان قدیم مصدق شود.
دفاعیات مصدق در جریان دادگاه نیز، بسیار مؤثر بود. وی ضمن دفاع از جنبش ملی نفت و حرکت های ضد استعماری مردم، با ارائه اسناد و شواهد، ماهیت کودتا و هماهنگی شاه و عمال داخلی و بیگانگان را تبیین کرد و ادعاهای آنها را به چالش کشید، هر چند دیگر برای این گونه اظهارات، دیر شده بود. در جریان محاکمه مصدق، مردم برخی از شهر ها، در دفاع از وی، به برپایی تظاهرات پرداختند.
با وجود این که این اعتراضات با خشونت سرکوب شد، اما رنگ اتحاد دوباره با سبب استقلال قدیم مصدق را با آرمان های مشترک به صدا درآورد و این، هشدار برای شاه بود که مرقب رویکردی که در قبال مصدق در پیش می گیرد، باشد.

■  **رفتار شاه با جیهه ملی ملایم بود**

رفتار شاه با جیهه ملی، همواره ملایم تر از سایر جریان های سیاسی بود. دلیل این امر را باید در منش سیاسی رهبر آن جبهه جست و جو کرد. اعضای جیهه ملی، برخلاف توده ای ها که در ذات و هویت آنها، تغییر نظام سلطنت نهفته بود، نظام سلطنتی در ایران را حداقل تا سال های پایانی سلطنت، نشانه نرفته بودند. مصدق، برای مبارزه با استعمار و استبداد، بر همین اساس راه را گلی بگشاید، به جرم برهم زدن اساس حکومت که خیانت بارزی است، محکوم شد. من در این موقع، نامه ای به محکمه نگاشته و اظهار داشتم که وی را از تقصیراتی که نسبت به شخص من مرتکب شده، بخشیده ام. بر اثر همین نامه و به علت کم سن، از اعدام، به معمولاً... مجازات این گونه اشخاص است، رهایی یافته و

استاد ارجمند

جناب آقای مهندس نصری

مدیر کل محترم راهداری و حمل و نقل خراسان رضوی

صمیمانه تبریک عرض نموده،  
ضمنا از خدمات ارزشمند چندین ساله آقای مهندس و حدتی فرد تشکر و قدردانی می نمایم. توفیق روزافزون آن عزیزان را از درگاه ایزد تعال خواستارم.

انجمن صنفی رانندگان شهرستان قاینات

انتصاب شایسته و مدیرانه حضرتعالی را به سبب

۱۴۰۲/۰۴/۲۴

۱۴۰۲/۰۴/۲۴

چهارشنبه ۱۹ آبان ۱۳۹۵۹ صفر ۱۴۳۸ شماره ۱۹۳۹۷
<p>نخستین رئیس ساواک بود. وی در زمره افراد مورد اعتماد شاه قرار داشت و توانست مدارج نظامی را به سرعت طی کند. بختیار می خواست با جلب حمایت آمریکایی ها، شاه را کنار بزند، اما نقشه های او موفقیت آمیز نبود و به ناچار، به عراق گریخت. بختیار در عراق به دست عوامل ساواک به قتل رسید. او در زمان ریاست بر ساواک، مرتکب جنایات زیادی شد. بازداشت دکتر فاطمی توسط ساواک در زمان ریاست تیمور بختیار انجام شد.</p>

پاورقی
<div><span><span>•••</span></span></div>
<b> گروه های چپ در ایران (بخش پنجاه)</b>
<b>توهم برانندازی</b>

در قسمت‌های پیشین به ارتباطات گسترده‌ای که چریک‌ها پس از فرار به شوروی، با سازمان اطلاعاتی این کشور پیدا کردند، اشاره کردیم. یکی از انگیزه‌های چریک‌ها برای نزدیک شدن بیشتر به حزب کمونیست شوروی، دریافت کمک‌های مالی بود. آنها در تاشکند، نمی‌توانستند مانند ایران، منابع مالی مورد نیاز خود را با حمله به بانک‌ها و دستبرد به سازمان‌ها و مراکز دولتی و غیردولتی، تأمین کنند. به همین دلیل، «فرخ نگهدار» در دیدار با «الیانفسکی»، مسئول بخش ایران حزب کمونیست شوروی، خواستار کمک مالی این دولت به چریک‌های اکثریت شد. «الیانفسکی» به طور ضمنی با این موضوع موافقت کرد و وعده مساعدت داد. بخش نخست کمک مالی به «نگهدار» پرداخت شد، اما او در این زمینه، هیچ اطلاعی به کمیته مرکزی و سایر اعضای سازمان نداد و خود سرانه نسبت به هزینه کردن کمک مالی، اقدام کرد.
ظاهرا این اقدام او، مورد رضایت کا.گ.ب نبود و به همین دلیل، بخش دوم کمک‌ها، زمانی به سازمان پرداخت شد که عبدالرحیمپور، هم، در مسکو بود. اوپس از آگاهی از ماجرای کمک مالی نخست شوروی به سازمان، قصد داشت موضوع را با کمیته مرکزی در میان بگذارد و جنجال به پا کند، اما با تهدید و تلمیع نگهدار، سکوت اختیار کرد و چیزی در این باره به سایر اعضا نگفت. «عبدالرحیمپور» امیدوار بود که بعدا بتواند توسط به این اقدام «نگهدار»، او را از چشم کا.گ.ب بیندازد و جای او را در این سازمان بگیرد. این درگیری‌ها تا سال‌های پایانی جنگ تحمیلی ادامه داشت. طی این سال‌ها، چریک‌ها از اعتقاداتی که تاپیش از فرار از ایران، مدعی آن بودند، فاصله زیادی گرفتند. در واقع، سطح سازمان، به یکی از ادارات وابسته به کا.گ.ب بتنزل پیدا کرده بود.

■ **نزاع در پلنوم ۶۷**

با پذیرش قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت از سوی ایران، سازمان، پلنوم شهریور ۱۳۶۷ را برگزار کرد. از برگزاری پلنوم قبلی، سال‌ها گذشته بود. ظاهرا، چریک‌ها با پیشنهاد کا.گ.ب، در پی سازماندهی دوباره خود، برای سوءاستفاده از شرایط خاص ایران در دوران پس از جنگ تحمیلی، بودند.
هیئت رئیسه پلنوم عبارت بودند از: «فرخ نگهدار»، «اصغر سلطان‌آبادی»، «عبدالرحیمپور» و «جمشید طاهری پور». به دلیل اختلافات عمیق میان اعضا، شش روزگی از نخستین جلسه پلنوم آغاز شد. دستور جلسه درج‌شده، «گزارش هیئت سیاسی»، «وضع سازمان در ایران»، «امپریا وواضوایپ کنگره» و «انتخاب ارگان‌های رهبری» بود. جناح چپ به دستور جلسه اعتراض داشت. آنها معتقد بودند که باید «انتخاب ارگان‌های رهبری» از دستور جلسه حذف شود و وقتی خواسته آنها در پلنوم رأی نیاورد، قهر و جلسه را ترک کردند!
روز بعد، با یادرمیانی برخی از اعضای میانه‌رو، جناح چپ به جلسه بازگشت، اما درگیری میان «نگهدار» و «کاظمی»، دوباره جلسه را به بن‌بست کشاند و این بار، «کاظمی» با قهر، جلسه را ترک کرد؛ «کاظمی» هر دو جناح سازمان را به هر خود ناسالم متهم می‌کرد. تمام جلسه سوم پلنوم، به قانع کردن وی برای بازگشت به هیئت رئیسه، سپری شد و «کاظمی»، سرانجام قبول کرد که به هیئت رئیسه بازگردد! با بازگشت «کاظمی»، پلنوم کار خود را آغاز کرد. گزارش هیئت سیاسی سازمان که در واقع، خطه شیسی سیاسی و عملیاتی چریک‌ها را مشخص می‌کرد، بر موضوع براندازی نظام جمهوری اسلامی تمرکز داشت. هیئت سیاسی معتقد بود که شرایط بحرانی پس از جنگ و ناکامی جمهوری اسلامی در جذب سرمایه‌های خارجی برای بازسازی کشور، نظام را به بن‌بست خواهد کشاند و کار براندازی آن را ساده‌تر خواهد کرد. آنها بر اساس تحلیل‌هایی که کا.گ.ب در اختیارشان گذاشته بود، به ایجاد دو جناح درون حاکمیتی در ایران معتقد بودند، اما دقیقاً نمی‌دانستند حدومرز فعالیت و اعتقادات این دو جناح که جاسات، هیئت سیاسی، در این پلنوم، صحبت از تشکیل جبهه‌ای از مخالفان جمهوری اسلامی در خارج از کشور به میان آورد که هدف از ایجاد آن، براندازی نظام بود. به اعتقاد اعضای هیئت سیاسی، طیف‌های مختلفی از مخالفان می‌توانستند در این جبهه عضویت داشته باشند. عجیب آن‌که به اعتقاد هیئت سیاسی، «کا.گ.له» و «نفتش آزادی» هم شایستگی عضویت در این جبهه را داشتند. همچنین، به نظر آنها، سازمان منافقین نیز که در حمله اخیر خود به غرب ایران، با شکستی مفتضحانه در تنگه «چهارباز (مرصاد)»، به عراق گریخته بود، می‌توانست در این جبهه جایگاهی داشته باشد. این جمع اضداد، حاصل مطالعات سطحی و دیدگاه‌های اشتباه اعضای هیئت سیاسی سازمان بود که در سایر بخش‌ها و در میان اعضا نیز، وجود داشت.

وزارت صنعت، معدن و تجارت									
سازمان توسعه و نوسازی معادن و صنایع معدنی ایران									
مجمع سنگ آهن سنگان									
(فراخوان مزایده عمومی یک مرحله‌ای) (نوبت دوم)									
سازمان توسعه و نوسازی معادن و صنایع معدنی ایران – مجتمع سنگ آهن سنگان (واقع در ۲۸۰ کیلومتری جنوب شرقی مشهد و ۳۶ کیلومتری شهرستان خواف) معادن تولیدی سنگ آهن را از طریق مزایده عمومی یک مرحله‌ای به فروش برساند.									
لیکن اشخاص حقوقی و حقیقی واجد شرایط می‌توانند با در نظر داشتن شرایط و موارد مندرج در اسناد مزایده نسبت به خرید اسناد اقدام نمایند.									
۱- فروش ۵۵/۰۰۰ تن سنگ آهن به صورت FOB با مشخصات مندرج در جدول ذیل:									
رطوبت (درصد)	Fe (درصد)	P (درصد)	Feo (درصد)	s (درصد)	SiO۲ (درصد)	Size (mm)	مقدار (تن)	نوع محصول	برعیار
≤۱	۱±۰۱	۱±۰۰۴	۰۰۳±۰۰۳	۰۰۶±۰۰۶	۰۰۵±۰۰۵	۲۵-۱۰	۱۰۰±۰۰۰/۱۰	۵۵/۰۰۰±۰۰۰	برعیار
۲- محل تحویل: اسکله شهید رجایی بندر عباس می‌باشد.									
۳- زمان فروش اسناد: اسناد مزایده همه روزه از تاریخ ۹۵/۸/۱۹ لغایت ۹۵/۸/۲۵ به جز ایام تعطیل در ساعات اداری به فروش می‌رسد.									
۴- محل فروش اسناد: تهران، خیابان شهرداری شمالی، خیابان هویزه شرقی، شماره ۳۳، مجتمع سنگ آهن سنگان، تلفن: ۸۱۴۹۲۱۶۰-۰۲۱									
- شهید، خیابان کوهسنگی، بین کوهسنگی ۱۹ و ۲۱، پلاک ۳۷۷، تلفن: ۰۰۸-۳۸۴۲۷۰۰۸-۰۵۱ داخلی ۲۰۹									
متقاضیان خرید می‌توانند در مهلت مقرر با در دست داشتن معرفی‌نامه و قیش واریزی به مبلغ ۱/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال به حساب شماره ۱۰۹۰۹۶۷۰۹۰۰۹ بانک ملی به نام سازمان توسعه و نوسازی معادن و صنایع معدنی ایران – ۱- فروش ۵۵/۰۰۰ تن سنگ آهن به صورت FOB با مشخصات مندرج در جدول ذیل:									
- مهلت ارسال پیشنهاد: آخرین مهلت ارسال پیشنهادات، پایان وقت اداری روز پنج‌شنبه مورخ ۹۵/۹/۱۱ ساعت ۱۲ می‌باشد و پیشنهادات بعد از ساعت و تاریخ مقرر و اعلامی قابل دریافت و پذیرش نمی‌باشد.									
۶- زمان و مکان بازگشایی اسناد: روز شنبه مورخ ۹۵/۹/۱۴ در محل تهران- میدان فردوسی- خیابان سپهبد قری- نیش کوچه شریف سازمان توسعه و نوسازی معادن و صنایع معدنی ایران (مجتمع سنگ آهن سنگان)									
مجتمع سنگ آهن سنگان									

## سخن بزرگان زیباترین وبه یلاماندنی‌ترین سخنان مشاهیر درصفت«همشهری سلام»

